

در سال ۱۹۹۳ هنگام اجرای یکی از کنسرت‌های مایکل هدگس یکی از طرفداران به شوخی فریاد زد: «ترانه‌بی فی‌البداهه اجرا کن!» با فریاد او سکوتی حیرت‌آور میان جمعیت برقرار شد. پس از گذشت لحظه‌یی مایکل در پاسخ متفکرانه حقیقت امر را بیان کرد: «سعی دارم تا آن‌چه را که در سراسر زندگیم خواسته‌ام اجرا کنم.»

شاید مایکل هدگس در تاریخ موسیقی از مؤثرترین و نوآورترین گیتاریست‌ها باشد. اما او اولین و بهترین آهنگسازی است که گیتار می‌نوازد و از او نمی‌توان به عنوان گیتاریستی که در تصنیف موسیقی نیز فعالیت دارد، یاد کرد. زندگی هنری مایکل در شهر Enid، اوکلاهاما آغاز شد جایی که او بیش از متمرکز شدن بر سازهای فلوت و گیتار در زمینه سازهای دیگر نیز فعالیت داشت. سرانجام او به منظور فراگیری گیتار کلاسیک در دانشگاه Phillips در شهر Enid ثبت‌نام کرد. اما موضوعی که اهمیت داشت فراگیری آهنگسازی زیر نظر استادی چون E.J. Ulrich بود. هنگامی که علاقه به موسیقی الکترونیک در او شکوفا شد، برای دریافت مدرکی در زمینه آهنگسازی به هنرستان Peabody در شهر Baltimore رفت. او در این باره چنین می‌گوید: «به آموزشگاهی رفتم که شیوه‌های مدرن آهنگسازی قرن بیستم در آن‌جا تدریس می‌شد.» به آثار John Martyn, Martine Carthy, Leo Kottke گوش می‌دادم اما ذهنم بیشتر متوجه آثار Webern, Varese, Stravinsky و آهنگسازان دیگری چون Morton Feldvemn بود.

علاقه مایکل به موسیقی الکترونیک باعث شد تا او در سال ۱۹۸۰ میلادی در دانشگاه Stanford که دپارتمان موسیقی الکترونیکش شهرت بسیاری کسب کرده بود، به تحصیل بپردازد. مایکل پیش از ملاقات با Mill Ackerman با Micheal Manring که نوازنده ویلون سل بود ملاقات کرد. بدین ترتیب آن دو با انتشار اثری به نام Breakfast in the Field اولین کار خود را در سال ۱۹۸۸ ارائه دادند. این آلبوم باعث شد تا هدگس به سرعت به عنوان پیشرویی در گیتار آکوستیک Ocaustic Guitr مطرح شود.

دو سال بعد توانایی برای تصنیف و اجرای مایکل به طور قابل ملاحظه‌یی در عرصه موسیقی هیپ‌هاو به پا کرد. این امر باعث ظهور اثر برجسته‌یی به نام Man-band گردید. چنین پیشرفت‌هایی به همراه تحولاتی که در تکنیک‌های گیتار آکوستیک به وجود آمد باعث شد تا او به خلق اثری منحصر به فرد بپردازد، اثری که تا آن زمان هیچ شنونده‌یی را به سوی خود جلب نکرده بود. بدین ترتیب در سال ۱۹۸۴ میلادی اثر Aerial Boundaries نامزد دریافت جایزه Grammy شد. این موسیقی دارای آهنگ، تکنیک‌های



موسیقی من هرگز به سبک محدود نمی‌شود

Michael Hedges

ترجمه کیوان سامانی راد

پاپک قاسمی نژاد

منحصر به فرد و تصنیف پیچیده و ایده‌آلی بود و به عنوان تحولی در سبک این نوع موسیقی به شمار می‌رفت. بدین‌سان مایکل آلبوم پیشین خود را مدفون کرد.

Joe Gave در سال ۱۹۹۰ در این باره این چنین گفته است: «تکنیک‌ها و آهنگ‌هایی که در آلبوم اول او ظهور کردند با دقت ساخته شده بودند.

در سال ۱۹۸۵ معلوم شد که مایکل هرگز خود را در محدوده سازها و یا سبک‌های موسیقی که از جمله آن می‌توان به سبک New Age اشاره کرد قرار نمی‌دهد. سبکی که در ابتدا توسط Windhen Hill ابداع شد. مایکل در این باره این چنین می‌گوید: «معنایی که درباره آهنگسازی مطرح می‌باشد این است که فرد آهنگساز به هنگام تصنیف موسیقی خود به چه چیزی می‌اندیشد.

در سال ۱۹۸۷ اثر Live on the Double Planet در کنسرت‌هایی که او در سراسر آمریکا و کانادا برگزار کرد تهیه شد. این اثر راهی برای پیشرفت مایکل شد. در این آلبوم جلوه‌های جدیدی از موسیقی دیده می‌شود. مایکل می‌گوید: «زمانی که می‌خواهم موسیقی را تصنیف کنم تنها آن را برای خود می‌سرایم اما وقتی که آن را اجرا می‌کنم تنها به شنوندگان می‌اندیشم بدین ترتیب با ارتباطی که بین من و شنوندگان ایجاد می‌شود آن‌ها احساس و ذوق مرا در هنگام تصنیف ده برابر باز می‌گردانند. فکر می‌کنم که این ارتباط زنده همواره باید بین نوازنده و شنوندگان ایجاد گردد. اجرای موسیقی بیشتر حالت نفسانی دارد اما تصنیف موسیقی دارای حال و هوای روحانی است. موسیقی از روح یک انسان به انسانی دیگر منتقل می‌شود. سبک و روشی که من در موسیقی از آن استفاده می‌کنم با سبک زندگی هماهنگی دارد. زمانی که گیتار می‌نوازم فکر می‌کنم که جریان معمول زندگی را بی می‌گیرم پس زمانی که گیتار می‌نوازم احساس زندگی در همه وجودم موج می‌زند، پس چرا هنگامی که گیتار می‌نوازید تنها به نواختن آن فکر می‌کنید؟ و هرگز به زندگی خود نمی‌اندیشید؟ پاسخ این سؤال این است: شما نمی‌خواهید که مردم را از چگونگی نواختن گیتار آگاه کنید بلکه خواهان نشان دادن راه و روش زندگی به مردم هستید. از نظر من هدف از نواختن گیتار نیز همین است.»

در سال ۱۹۹۰ میلادی اثر Tapront نامزد دریافت جایزه Grammy شد. مفهوم کل اثر Tapront تحت تأثیر آثار Joseph Cambell و Robert Bly نیز قرار گرفته است.

عکس مایکل بر روی جلد اکثر مجله‌های مهم گیتار دیده می‌شد. و با آرای خوانندگان مجلات جایزه

بهترین نوازنده گیتار آکوستیک را به خود اختصاص داد. او می‌گوید: «در عرصه موسیقی هرگز نمی‌خواهم که به وسیله آن چیزی که مردم آن را سبک می‌نامند محدود شوم، دوست دارم تا موسیقی را با آن چه که احساس می‌کنم تلفیق کنم و هرگز نمی‌خواهم به خاطر آثار گذشته‌ام به آن چه که مردم می‌گویند عمل کنم.»

آلبوم The Road to Return او که در سال ۱۹۹۴ میلادی منتشر شد اثری برجسته بود که نسبت به آثار قبلیش دارای ترتیبی فوق‌العاده و استادانه بود. مایکل علاوه بر گیتار آکوستیک در سازهای فلوت، طبل، سینتی‌سایزر، سازدهنی و گیتار برقی نیز تبحر داشت.

پس از انتشار اثر The Road to Return مایکل سه تور موسیقی را با همکاری Macheal Manving برگزار کرد. مایکل در تورهای خود بیشتر توجه خود را برخلاف گذشته بر روی کیبورد معطوف ساخت، پس از آن در هنگامی که تقریباً بعد از دو سال توری را به تنهایی برگزار کرد دوباره با روی آوردن به سوی گیتار آکوستیک تعجب همگان را برانگیخت. با رشد موسیقی نوین مایکل در آثار هنریش دوره پرباری را آغاز کرد. او علاوه بر داشتن تبحر در نواختن گیتار با سازهای بادی و سینتی‌سایزر نیز کار می‌کرد. مایکل توانست به طرفداران خود ثابت کند که آثار او منحصر به فرد هستند از آثار او می‌توان به:

- Tarched (1991)
- Live on the Double Planet (1987)
- Ovacle (1996)
- The Road to Return (1994)
- Tapront (1990)
- Watching My life Go By (1985)
- Aerial Boundaries (1984)
- Breakfast in the Field (1983)

مایکل در سال ۱۹۹۷ میلادی بعد از مراسم روز شکرگزاری^۱ درگذشت. با مرگ او در بزرگراه کالیفرنای شمالی صدای هنرمندی در جهان موسیقی خاموش شد.

او آلبوم Tarched را در اواخر زندگی تکمیل کرد. Hilleary Baugess از دوستان صمیمی و مدیر برنامه‌های مایکل می‌گوید: «مایکل با آلبوم Tarched امید داشت تا محدودیت‌های ساختگی در موسیقی را کنار بزند.»

پانویس:

۱. چهارمین پنجشنبه ماه نوامبر.

